

نگرانی و دغدغه علی خامنه‌ای از عدم رعایت شئون اسلامی در کودکانها!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

اکنون در میانه تمامی بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیکی و دیپلماسی حکومت اسلامی ایران، حالا نوبت به کنترل مهدکودک‌ها رسیده است.

البته بحث بر سر سوءتغذیه کودکان و فقر و بهداشت عمومی و غیره نیست، بلکه بر سر اهداف و منافع حاکمیت است که در هر دوره معطل و بحران‌های دلخواه خود را به وجود می‌آورد تا در نبرد با آن بحران، هم حاکمیت خودش را سرپا نگه دارد و هم از جامعه زهرچشم بگیرد تا به فکر اعتراض و اعتصاب و سرنگونی سیستم موجود نیفتند. بنابراین فتوای مشهور فقهای شیعه، سن بلوغ دختر پایان نه سالگی قمری است. (تقریباً پایان هشت سال و هشت ماه و بیست روز شمسی)

به علاوه هدف حکومت اسلامی ایران برگزاری مراسمی به نام «جشن تکلیف» برای دانش‌آموزان دختر کلاس سوم در مدارس کشور، تشویق دختران ۹ ساله به ازدواج و تهدید آنها به این شیوه که دیگر بالغ شده‌اند و باید حلال و حرام و قوانین مذهبی را رعایت کنند.

به این ترتیب قوانین حکومت اسلامی و سنت‌ها و باورهای مذهبی، به‌ویژه نسبت به دخترچه‌ها به شدت غیرانسانی و آشکارا کودک‌آزاری است.

۴۱ سال است که حکومت اسلامی در کنار انبوهی از جنایات خود علیه بشریت، به‌خصوص نسل‌هایی از دختران رادر معرض تجاوز و فساد و جنون مردسالاری و ایدئولوژی اسلامی قرار داده است.



photo : Mahin Mohammadzadeh

در چنین روندی و پس از ۴۱ سال حاکمیت خون‌بار و فلاکت‌بار حکومت اسلامی، سیدعلی خامنه‌ای به عنوان دیکتاتور مطلق در راس این حکومت جهل و جنایت و تجاوز و فقر، بسیار علاقه دارد که در همه مسایل کشور از ریز تا درشت و کوچک و بزرگ دخالت کند تا فرمان‌های دلخواه خود را صادر نماید. او همانند همه دیکتاتورهای تاریخ مانند هیتلر، موسولینی، پولپوت، پارشاهان و امپراتورها، خمینی و غیره هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی‌شناسد حتی قوانین حکومت‌شان. آنچه که او به زبان می‌آورد اصل قانون است و باید بدون چون و چرا اجرایی شود. چرا که او فرمان‌های خود را بالاتر از هر قانون و نهاد حکومتی می‌داند.

قوای سه‌گانه برای او اسباب بازی بیش نیستند و مطلقاً باید گوش به فرمان اوامر او باشند و بدون اجازه‌اش حتی آب هم نخورند.

او اخیراً و در تازه‌ترین موضع‌گیری‌اش درباره برنامه‌های مهد کودک‌ها اظهارنظر کرده و نگرانی خود را به زبان آورده است. پس از آن‌که برخی کتاب‌های مدارس و سرفصل درسی دانشگاه‌ها تغییر کرد خامنه‌ای به دنبال تغییر برنامه‌های آموزشی مهد کودک‌ها افتاده است.

محسن حاجی‌میرزایی، وزیر آموزش و پرورش، شامگاه ۱۳ شهریور در گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیما گفت: می‌گویند هزار روز اول زندگی، هزار روز طلایی است و مهدهای کودک بهترین جایگاه هستند برای این‌که رفتار بسازند چرا که رفتارها که در این سنین ساخته می‌شود به راحتی تغییر نمی‌کند. در دولت بحث کردیم که در تمام مهدکودک‌ها همه فعالیت‌های آموزشی تحت نظر آموزش و پرورش باشد و بهزیستی موافقت کرد که به آموزش و پرورش واگذار شود.

دو روز پیش از سخنان حاجی میرزایی خامنه‌ای روز ۱۱ شهریور ۱۳۹۹ در ارتباط تصویری با وزیر، معاونان، مدیران و روسای وزارت آموزش و پرورش در سی و چهارمین اجلاس آموزش و پرورش با اظهار تاسف از رها بودن مهدکودک‌ها گفت: «بر اساس گزارش‌های رسیده وضعیت مهدکودک‌ها به هیچ‌وجه خوب نیست و نباید به مهد کودک‌ها نگاه مراکز خدماتی داشت بلکه مراکز مهم آموزشی و پرورشی هستند».

وزیر آموزش و پرورش در بخش دیگری از سخنان خود درباره اجرای سند ۲۰۳۰ در برخی مدارس اظهار کرد: «۱۱۶ هزار مدرسه داریم و باید بگویم نظام آموزش و پرورش، سند دارد و هیچ نیازی به سند دیگری ندارد و سند ۲۰۳۰ موضوعیت ندارد؛ اگر هر موردی را هرجایی دیدند، اعلام کنند که برخورد می‌کنیم».

این سخنان هم پاسخ به سخنان رهبرشان بود که گفته بود غربی‌ها اصرار دارند در آموزش و پرورش کشورها برای تحمیل سبک غربی نفوذ کنند و سند ۲۰۳۰ نمونه همین نفوذ است.

رئیس سازمان بهزیستی در خصوص «فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد مهدهای کودک» توضیحاتی ارائه و اعلام آمادگی کرد که اگر آموزش و پرورش بپذیرد که به‌عنوان متولی اصلی اداره و مدیریت مهدهای کودک را از صفر تا صد بپذیرد، ما به‌عنوان سازمان بهزیستی این آمادگی را داریم تا موضوع صدور مجوز و ارائه برنامه را که در قانون آمده است به آموزش و پرورش بسپاریم.

به‌گزارش ایسنا، سه‌شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۹۹، وحید قبادی دانا در خصوص «فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد مهدهای کودک» بیان کرد: «امروز شاهد بودیم که مقام معظم رهبری در گفت‌وگویی که با اجلاس مدیران و روسای وزارت آموزش و پرورش در ۳۴ امین اجلاس آموزش و پرورش داشتند فرمایشات مهمی را فرمودند؛ یکی از مواردی که ایشان اشاره کردند در ارتباط با مهد کودک‌ها و پیش دبستانی‌ها بود؛ ایشان از رها بودن مهد کودک‌ها به دلیل اختلافات فی‌مابین برخی دستگاه‌ها ابراز تاسف کردند. همچنین فرمودند که وضعیت مهد کودک‌ها خوب نیست و نباید نگاه ما به مهد کودک‌ها نگاه به مرکز خدماتی باشد بلکه این‌ها مراکز مهم آموزشی و پرورشی هستند».

او ادامه داد: «همچنین ایشان از نفوذ دشمن در مجموعه‌های آموزشی و پرورشی و استفاده این جریان نفوذ از راه‌هایی مانند سند ۲۰۳۰ و این مجموعه اقدامات ابراز نگرانی کردند. این فرمایشات ایشان برای ما بسیار راهگشا بوده و است. اما طبق تبصره ۲ ماده ۲ قانون تاسیس مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی تعیین شاخص‌های آموزشی و پرورشی و تدوین محتوا و نظارت بر مهد کودک‌ها از حیث آموزشی و پرورشی با وزارت آموزش و پرورش است».

قبادی دانا ادامه افزود: «فقط موضوع صدور مجوز و ارایه برنامه با سازمان بهزیستی است، البته آیین نامه اجرایی این ماده قانونی نیز توسط هیات وزیران مصوب و ابلاغ شده و تقسیم وظیفه صورت گرفته است».

قبادی دانا با بیان این‌که مسئولان و متولیان امر باید بازنگری و تغییر نگاهی را نسبت به موضوع مهدهای کودک داشته باشند گفت: «در حال حاضر حدود ۷ درصد از کودکان زیر ۶ سال در کشور در مهدهای کودک حضور دارند که این رقم معادل حدود ۶۶۱ هزار کودک است که در قالب ۵ هزار و ۶۰۰ مهد کودک شهری و ۷ هزار و ۲۰۰ روستا مهد و هزار و ۵۰۰ مهد کودک در مناطق حاشیه شهرها حضور دارند و در حال حاضر ۵۷ هزار مربی در مهدهای کودک مشغول به فعالیت هستند».

او افزود: «مدنظر قراردادن سیاست‌های ابلاغی جمعیتی مقام معظم رهبری با توجه به مسئله ای که در ارتباط با جمعیت داریم در زمینه مهد کودک می‌تواند موثر باشد. موضوع فرزندآوری و حمایت از خانواده‌هایی که بتوانند فرزندان خود را در مهدهای کودک قرار دهند و رشد و توسعه مهدهای کودک می‌تواند در این زمینه بسیار موثر باشد و آن‌ها را از مرکز نگهداری کودک و مرکز خدماتی به کانون فرهنگی و تربیتی رشد و تعالی همه‌جانبه کودکان تبدیل کند».

خامنه‌ای گفت: «بر اساس گزارش‌های رسیده وضعیت مهدکودک‌ها به هیچ‌وجه خوب نیست و نباید به مهد کودک‌ها نگاه مراکز خدماتی داشت بلکه مراکز مهم آموزشی و پرورشی هستند».

خامنه‌ای گفت: «امروز فلسفه اجتماعی غرب در خود غرب شکست خورده و مظاهر فسادانگیز آن از هالیوود تا پنتاگون کاملاً نمایان است. دشمن قصد دارد کاری را که به وسیله نظامی از انجام آن ناتوان است، با نفوذ و از راه‌هایی مانند سند ۲۰۳۰ و ساختن انسان‌هایی تربیت کند که مثل او فکر و اهداف عملیاتی او را پیاده کنند تا زمینه غارت ملت‌ها فراهم شود».

خامنه‌ای در حالی چنین ادعایی را پیش کشیده است که سال‌ها پیش دولت آمریکا و به‌دنبال آن اسرائیل از یونسکو خارج شده‌اند. بنابراین خامنه‌ای یا ناآگاه است و یا حقه‌باز! چرا که سال نو میلادی ۲۰۱۹ با اجرای قطعی و رسمی خروج آمریکا و اسرائیل از یونسکو همراه بود. این دو کشور به‌دلیل مواضع «یک‌طرفه و ضد اسرائیلی» یونسکو، از سال گذشته مراحل قانونی برای خروج را شروع کرده بودند و با آغاز سال ۲۰۱۹، این خروج قطعی و اجرایی شد.

به گزارش روز سه‌شنبه ۱۱ دی ماه ۱۳۹۷ خبرگزاری آسوشیتدپرس، دولت آمریکا به ریاست جمهوری دونالد ترامپ در اکتبر ۲۰۱۷ - مهر ۹۶ اعلان خروج از یونسکو را ثبت کرد و متعاقب آن، اسرائیل هم همین گام را دنبال کرد.

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد سازمان ملل متحد، یونسکو، از سوی آمریکا و پس از جنگ جهانی دوم تاسیس شد. مقر اصلی این سازمان در پاریس، پایتخت فرانسه است.

به‌گزارش آسوشیتدپرس، یونسکو به دلیل موضع گرفتن در مورد وضعیت فلسطینی‌های شرق اورشلیم، نام‌گذاری اماکن یهودی به عنوان میراث فرهنگی فلسطینی‌ها و همچنین دادن اجازه عضویت کامل به فلسطین در سال ۲۰۱۱ به عنوان کشوری مستقل، مورد انتقاد حامیان اسرائیل قرار گرفته است.

دولت آمریکا از یونسکو خواسته بود اصلاحاتی بنیادین در این سازمان اعمال کند.

به گزارش آسوشیتدپرس، یونسکو که عمده فعالیت آن به رسمیت شناختن و تلاش برای نگهداری اماکن تاریخی جهان است، همچنین در حوزه‌هایی چون بهبود آموزش و تحصیل برای دختران، تلاش برای یادبود قربانیان هالوکاست و همچنین حمایت از آزادی رسانه‌ها فعالیت می‌کند.

این گزارش می‌گوید وضعیت مالی و بودجه یونسکو با خروج آمریکا و اسرائیل دچار تحول شدید خواهد شد، چرا که هشت سال پیش و در ۲۰۱۱ پس از پیوستن فلسطین به عنوان کشوری مستقل به یونسکو، آمریکا و اسرائیل حمایت‌های مالی خود را از این نهاد بین‌المللی قطع کردند.

آمریکا به تنهایی حدود ۲۲ درصد از بودجه یونسکو را تامین می‌کرد. از زمان قطع حمایت مالی از یونسکو، مبلغ پرداخت نشده از سوی آمریکا ۶۰۰ میلیون دلار، و مبلغ پرداخت نشده از سوی اسرائیل، ۱۰ میلیون دلار بوده است.

«اداره آژوله»، دبیرکل یونسکو که پس از اعلام دولت ترامپ برای خروج از یونسکو پست دبیرکلی را در اختیار گرفت، شهروند فرانسه است و تباری یهودی و مراکشی دارد. خاتم آژوله پیش از این، وزیر فرهنگ فرانسه بود و در حال حاضر و برای یک دوره پنج ساله، دبیرکلی یونسکو را در اختیار دارد.

او سرپرستی وبسایت آموزشی در مورد هالوکاست در سازمان ملل را در اختیار گرفت، که یک دستور عمل اجرایی برای مقابله با یهودستیزی را آموزش می‌دهد.

گزارش آسوشیتدپرس می‌گوید شماری عقیده دارند که این وبسایت را یونسکو برای راضی نگه داشتن منتقدان این سازمان در آمریکا و اسرائیل راه‌اندازی کرده است.

آمریکا خود را در یونسکو از این به بعد به عنوان «عضو ناظر» دنبال می‌کند. در صورت تمایل برای عضویت مجدد، این تقاضا می‌تواند مطرح شود.

خروج آمریکا از یونسکو مسبوق به سابقه است. در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان و در سال ۱۹۸۴، آمریکا از یونسکو به دلیل «سوءمدیریت و فساد مالی برای تشویق اهداف اتحاد جماهیر شوروی سابق»، از یونسکو خارج شد. در سال ۲۰۰۳ آمریکا بار دیگر به عنوان عضو به یونسکو پیوست.

سند آموزشی ۲۰۳۰ نوعی از برنامه‌ریزی سازمان ملل متحد به اعتبار کشورهای غربی برای ایجاد دهکده جهانی همراه با برنامه‌های تربیتی است. این دستورکار جایگزین اهداف توسعه هزاره شده که شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایا برای سال ۲۰۳۰ ترسیم می‌کند.

خامنه‌ای سرسختانه با این سند مخالف است. چرا که به عقیده او برخی اهداف این سند با سیاست‌های اصولی حکومت‌شان در تضاد آشکار است. یکی از برنامه‌های ۲۰۳۰ حذف خشونت در درس‌های دانش‌آموزان است؛ به همین دلیل حکومت اسلامی حذف درس‌هایی مانند شهید فهمیده در برخی از کتاب‌های درسی و استفاده نکردن از کلماتی مانند ایثار، شهادت، جهاد از جمله اهداف خزنده و پنهان سند ۲۰۳۰ می‌داند.

خامنه‌ای سال گذشته در دیدار با فرهنگیان با تذکر به برخی از مسئولان آموزش و پرورش گفت: لب کلام و جان کلام در این سند ۲۰۳۰ که فصل مهمی مربوط به آموزش و پرورش دارد، این است که نظام آموزشی باید سبک زندگی را و فلسفه حیات را بر اساس میانی غربی به کودک بیاموزد.

خامنه‌ای افزود: یعنی جنابعالی، انسان متدین و علاقه‌مند به کشورتان، علاقه‌مند به آینده‌تان، در کلاس درستان سرباز برای غرب درست کنید.

او با انتقاد شدید از برخی رفتارهای کشورهای غربی به مسئولان و معلمان اخطار داد: شما این‌جا بنشینید سرباز درست کنید برای انگلیس و فرانسه و آمریکا و بقیه این وحشی‌های کراوات‌زده، ادکلن‌زده ظاهرساز؛ همین‌هایی که آدم می‌کشند بدون این‌که خم به ابرو بیاورند، به آدمکش کمک می‌کنند بدون این‌که خم به ابرو بیاورند.

دو سال پیش هم خامنه‌ای در دیدار با فرهنگیان به این موضوع اشاره کرده بود. او گفته بود: این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرف‌ها، این‌ها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار این‌ها بدهد و تسلیم این‌ها بشود... اگر چنانچه با اصل کار شما نمی‌توانید مخالفت بکنید، حداقلش این است که بایستید بگویید جمهوری اسلامی خودش ممشی دارد، خط و ربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم... بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله‌مند هستم؛ آن‌ها باید مراقبت می‌کردند، نباید اجازه می‌دادند این کار تا این‌جا پیش بیاید که ناچار بشویم ما جلوی آن را بگیریم و ما وارد قضیه بشویم. این‌جا جمهوری اسلامی است؛ این‌جا، مینا اسلام است، مینا قرآن است؛ این‌جا جایی نیست که سبک زندگی معیوب ویران‌گر فاسد غربی بتواند در این‌جا این‌جور اعمال نفوذ کند.

مقامات حکومت اسلام می‌گویند؛ تهیه سند ملی آموزش ۲۰۳۰ و دادن تعهد به یونسکو با اصول ۱۵۳، ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی نیز در تعارض است. اصل ۱۵۳ قانون اساسی گفته است: هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود، ممنوع است!

در حالی که همین اواخر علنی شد که حکومت اسلامی ایران و چین یک قرارداد ۲۵ ساله بسته‌اند و بخش اعظم زیرساخت‌های اقتصادی و طبیعی ایران را به چینی‌ها واگذار کرده‌اند.

پیش‌نویس سند همکاری راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین در داخل و خارج ایران بحث‌های گسترده‌ای را در مطبوعات و شبکه‌های اجتماعی دامن زده است. این در حالی است که چین در این باره تقریباً سکوت کامل اختیار کرده است. این‌که در پشت پرده دارد چه می‌گذرد اطلاعی در دست نیست اما مجتواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، روز اول مرداد ماه گفت: «ما بسیار به توافق نزدیک هستیم».

به‌طور مختصر به‌نظر می‌رسد که موضع حکومت اسلامی ایران روشن است. ایران بر اثر تحریم‌های آمریکا با مشکلات جدی روبه‌رو شده و در عین حال حکومت ایران برای مقابله با آمریکا و مطرح شدن به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، به‌دنبال یک شریک قدرتمند می‌گردد. چین آن شریک قدرتمند و ثروتمندی است که هم نیاز به وارد کردن انرژی دارد، هم سرمایه عظیمی دارد (بیش از ۳ هزار میلیارد دلار ذخیره ارزی) و هم در زمینه فن‌آوری و تأسیسات زیر بنایی از امکانات بالایی برخوردار است. مهم‌تر از همه این‌که، شاید از دید حکومت اسلامی ایران، چین قدرتی است که می‌تواند در برابر فشارهای آمریکا ایستادگی کند. امضاء قرارداد همکاری استراتژیک ۲۵ ساله چین با ایران را می‌توان در چارچوب این نگرش «جدید» چین دید. چرا جدید؟ فراموش نکنیم که پس از اعمال تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا توسط ترامپ، خودروسازان چینی از ایران خارج شدند. ۱۴ مهر ۱۳۹۸ ایران رسماً اعلام کرد شرکت ملی نفت چین (سی‌ان‌پی‌سی) از طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی کناره‌گیری کرده است. پیش‌تر شرکت چینی اعلام کرده بود به دلیل تحریم‌ها از سرمایه‌گذاری در پارس جنوبی منصرف شده است. هر چند که جزئیات پیش‌نویس سند همکاری ایران و چین هنوز اعلام نشده، اما گزارش‌های بسیاری منتشر شده حاکی از این‌که حجم کلی توافق در حدود ۴۰۰ میلیارد دلار است. اگر چنین قراردادی «امضاء و عملیاتی» شود و این حجم از توافق صحیح باشد چند مسئله حائز توجه است. اول این‌که، چین با وجود مجازات یکی از شرکت‌هایش توسط دولت ترامپ به‌خاطر معامله نفت با ایران، تصمیم گرفته با وجود عواقب احتمالی، تحریم‌های آمریکا را ندیده بگیرد. دوم این‌که، یک قرارداد ۲۵ ساله و کمک به حکومتی که یکی از خصمانه‌ترین روابط را با آمریکا دارد، شباهتی به درگیری‌های مقطعی ندارد. این شاید بزرگ‌ترین چالش در برابر قدرت آمریکا در سطح بین‌المللی توسط چین، از بعد از جنگ ویتنام در سال ۱۹۷۵ به‌شمار می‌رود. یک احتمال هم این است که اصولاً تمامی ماجرا یک بازی سیاسی بیش نیست. به این عبارت که چین می‌خواهد با بازی با کارت ایران، آمریکا را قانع کند که در مورد هنگ‌کنگ و دریای چین جنوبی، دست از سر چین بردارد.

در سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطع‌نامه‌ای را با عنوان «برنامه کاری برای ۲۰۳۰، دگرگون کردن جهان‌مان: توسعه پایدار» تصویب کرد. این قطع‌نامه ۱۷ دستور کاری اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه را برای «توسعه پایدار» کشورهای عضو سازمان ملل فهرست می‌کند. این سند با همکاری گروه‌های متخصص بین‌المللی تدوین شده است، اما اعضاء مجبور به اجرای آن نیستند و می‌توانند انتخاب کنند، یا آن را با شرایط خود منطبق کنند. در ادبیات سازمان ملل، توسعه پایدار یعنی «برآوردن نیازهای امروز بدون نادیده گرفتن نسل‌های آینده». به زبان دیگر، توسعه پایدار به این معنی است که مراقب باشیم امروز همه منابع را برای توسعه استفاده نکنیم تا چیزی هم برای نسل‌های آینده باقی بماند. آلوده کردن محیط زیست، از بین بردن منابع طبیعی، و مهم‌تر از همه تغییرات اقلیمی هم زیر همین عنوان جای می‌گیرد. بخش‌های مهمی از این سند به مسائلی همچون آموزش محیط زیست، برابری جنسیتی و فرصت‌های برابر اجتماعی برای زنان و مردان، حقوق بشر، رفع تبعیض از اقلیت‌ها، احترام به تنوع فرهنگی و ترویج آموزش بین فرهنگی، کنار گذاشتن گفتمان هویتی بسته، تربیت نسل جدید با نگاه شهروند جهانی، فرهنگ صلح و عدم خشونت می‌پردازد.

مهدکودک‌ها عامل نگرانی امامان جمعه

محمد عبادی‌زاده، امام جمعه بندرعباس هم روز جمعه ۱۴ شهریور پس از سخنان خامنه‌ای در مورد مهد کودک‌ها گفت: «گاهی کلیپ‌هایی از درون مهدهای کودک منتشر می‌شود که نگران کننده بوده و این نگرانی برای خانواده‌ها بیش‌تر است، مهد کودک‌ها و پیش دبستانی‌ها رها شده‌اند و آن‌ها را دست کم گرفته‌ایم و افراد سوچو با انگیزه‌های خاص وارد این عرصه شده‌اند. کودکان مستعد فراگیری و آموزش هستند و نباید آموزش آن‌ها بچه‌ها را رها کرده و به دست کسانی بسپاریم که نمی‌دانیم چگونه آن‌ها را آموزش می‌دهند.»

پیش از این ابوالقاسم یعقوبی، امام جمعه بجنورد در مهرماه ۱۳۹۷ در این زمینه گفته بود: «در بحث عفاف و حجاب خانواده و مهدکودک‌ها را جدی بگیرید، زیرا فعالیت در این رده سنی بسیار جواب می‌دهد. متأسفانه در برخی از مهدکودک‌ها اختلاط دختر و پسر و رقص وجود دارد که به‌زیستی و آموزش و پرورش باید در این زمینه نظارت بیش‌تری داشته باشند.» اظهارنظرهایی از این دست از سال‌ها پیش از سوی امامان جمعه مطرح می‌شد. اسدالله ایمانی، امام جمعه شیراز در سال ۹۳ گفته بود: «در برخی از مهدکودک‌ها رقص یاد فرزندان ما می‌دهند و آنان را از قرآن و الفبای قرآنی دور می‌سازند، آیا می‌توانیم مسایل قرآنی را این چنین ببینیم و بگوییم ممیزه فرهنگی و تربیت فرزندان برعهده خود مردم است. بیابیم فاصله‌مان را با قرآن کم کنیم و ببینیم بچه‌هایی که در این مهدکودک‌ها تربیت می‌شوند فردا چه خواهند شد و این امانت‌داری نیست که کودکان مسلمان و شیعه را به دست برخی از این مهدکودک‌ها بسپاریم و بعد مسوولان ما فقط نظاره‌گر باشند. مسوولان نظام باید بدانند، نظام امانت است و فرزندان آن هم امانت و باید این امانت را سالم به اهل آن، امام زمان (عج) برگردانیم.» حسینی بوشهری، امام جمعه قم نیز گفته بود: «گزارش‌هایی شنیده‌ایم که نگران‌کننده است. اتفاقاتی تحت عنوان شادی کودکان در این مکان‌ها می‌افتد که با نظام تربیتی و دینی ما سازگار نیست. دل کودک و نوجوان مانند سرزمین خالی است که هرچه بکاریم رشد می‌کند، اگر رقص و موسیقی در دل آنان کاشتیم و این‌ها آرام آرام در ذهن او ملکه می‌شود. به‌جای این برنامه‌ها باید برنامه‌های شاد دینی هم اجرا شود و به آنان قرآن، روایت، در قالب‌های شاد و آموزنده یاد دهیم. دست‌های پنهانی و بعضاً آشکاری نسبت به تربیت کودکان در این مهدها وجود دارد که می‌خواهند آن‌ها را از اول آن‌طور که می‌خواهند تربیت کنند تا در آینده در اختیار آنان باشند.»

به‌جز میدان‌های سیاسی و اقتصادی، مسائل حوزه اجتماعی، سبک زندگی و همچنین آموزش و پرورش از مواردی است که خامنه‌ای طی سال‌های اخیر نشان داده به هیچ عنوان قصد ندارد در تعیین تکلیف برای آن‌ها کوتاه بیاید.

البته سخنان امامان جمعه، بالاخص سخنانی که به‌زور مداوم و از سوی تعدا زیادی از آنان شنیده می‌شود نه نظرات شخصی که موضع هماهنگ شده حاکمیت در قبال موضوعی است که یا اتفاق افتاده و در حال توجیه افکار عمومی است یا قرار است در آینده اتفاق بیافتد و از طریق شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه هماهنگ می‌شود.

به‌جز میدان‌های سیاسی و اقتصادی؛ مسائل حوزه اجتماعی، سبک زندگی و همچنین آموزش و پرورش از مواردی است که خامنه‌ای طی سال‌های اخیر نشان داده به هیچ عنوان قصد ندارد از سیاست‌های ارتجاعی و غیرانسانی دست بردارد و کوتاه بیاید. حکومت اسلامی، به‌معنای واقعی هیچ روزنه‌ای برای تنفس طبیعی جامعه و تصمیم‌گیری مردم باقی نگذاشته است.

اقتصاد ایران به دلایل مختلف به‌ویژه فساد دولتی و اختلاس و تحریم‌ها در حال فروپاشی است و مسئولیت این فروپاشی قبل از همه بر عهده خامنه‌ای است که در همه امور کشور دخالت مستبدانه دارد. در حالی که هر روز تعداد بیش‌تری از مردم، حتی کسانی که شغلی دارند مانند کارگران، کارمندان و بازنشستگان به زیر خط فقر می‌روند و هزینه‌های زندگی برای آن‌ها غیرممکن و کمرشکن می‌شود.

صدها میلیارد دلار اختلاس و فساد از سوی سران و مقامات و نهادهای سیاسی و قضایی و نظامی و وابستگان حکومت اسلامی، جامعه را به تنگ آورده است اما همچنان رهبری اجازه رسیدگی به بسیاری از پرونده‌های فساد را نمی‌دهد و فرمان «کش ندهید» صادر می‌کند. در عرصه سیاست عملاً هیچ اقدامی جز با فرمان شخص رهبر صورت نمی‌گیرد.

در حوزه اجتماعی آزادی و برابری به‌ویژه موقعیت زنان و حجاب اجباری به صحنه جنگی میان حاکمیت و اکثریت زنان تبدیل شده اما خامنه‌ای معتقد است کسانی که از حجاب اختیاری سخن می‌گویند: «همان خطی را دنبال می‌کنند که دشمن با آن همه خرج نتوانسته است آن خط را در کشور به نتیجه برساند.»

از سوی دیگر خامنه‌ای، همواره عوامل دانشگاهی حکومت را به شناسایی دشمن ترغیب کرده است. او گفته آموزش بسیاری از علوم انسانی در دانشگاه‌ها باعث بی‌اعتقادی به تعالیم الهی و اسلامی می‌شود. او همچنین شمار استادان معتقد به «جهان‌بینی اسلامی» در دانشگاه‌ها را کم ارزیابی کرده است.

او گاه و بی‌گاه در دیدار با شماری از استادان، اعضای هیات‌های علمی و روسای دانشگاه‌ها نگرانی‌های خود را از تدریس رشته‌های علوم اجتماعی بیان کرده است.

در سال‌های اخیر خامنه‌ای تحصیل حدود دو میلیون نفر از سه و نیم میلیون دانشجو در ایران در رشته‌های علوم انسانی را مایه نگرانی دانسته است: «زیرا توانایی مراکز علمی و دانشگاه‌ها در زمینه کار بومی و تحقیقات اسلامی در علوم انسانی و همچنین تعداد اساتید مبرز و معتقد به جهان‌بینی اسلامی رشته‌های علوم انسانی در حد این تعداد دانشجو نیست.»

او از آموزش بسیاری از علوم انسانی در دانشگاه‌ها ابراز نارضایتی کرده و گفته است: «بسیاری از علوم انسانی مبتنی بر فلسفه‌هایی است که مبانی آن‌ها مادی‌گری و بی‌اعتقادی به تعالیم الهی و اسلامی است و آموزش این علوم موجب بی‌اعتقادی به تعالیم الهی و اسلامی می‌شود و آموزش این علوم انسانی در دانشگاه‌ها منجر به ترویج شکاکیت و تردید در مبانی دینی و اعتقادی خواهد شد.»

خامنه‌ای از مراکز تصمیم‌گیری از جمله دولت، مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی خواسته به این موضوع رسیدگی کنند. او در این سخنان همچنین خواستار «تعبد و تدین بیش‌تر» دانشجویان و جوانان شده زیرا به گفته او، در این صورت «عمل، رفتار و فکر آن‌ها از آسیب کم‌تری برخوردار خواهد بود و جامعه، بهره بیش‌تری از آنان خواهد برد.» او گفته که: «قطعا انتظاری که از اساتید دانشگاه‌ها در این جنگ و مبارزه نرم می‌رود فراتر از انتظاری است که از دانشجویان وجود دارد.»

او استادان را «فرماندهان جبهه جنگ نرم» خوانده و تاکید کرده است: «فرماندهان این جبهه باید با شناخت مسائل کلان، شناسایی دشمن و کشف اهداف او، طراحی کلان انجام دهند و براساس این طراحی حرکت کنند.» به این ترتیب، در هر حالتی فکر و ذهن خامنه‌ای به جنگ و خشونت و سانسور معطوف است!

واقعا چرا رهبر حکومت اسلامی ایران چرا هرگز به فکر فقر و سوءتغذیه کودکان نیست؟!

ضروت دارد که بدانیم یکی از مهم‌ترین عوامل رشد کودکان بهره‌مندی آنان از رژیم غذایی متناسب با سن‌شان است در حالی‌که اگر در این راستا کمبودی وجود داشته باشد منجر به عوارضی همچون عدم رشد جسمی و روانی کودک خواهد بود. بنابراین، سوءتغذیه از چالش‌های کشورهای در حال توسعه است و کشور ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و در نقاطی از کشور با «سوءتغذیه کودکان» و بی‌تفاوتی دولت به مرحله خطرناکی رسیده است.

یکی از شاخص‌های مهم میزان گرسنگی هر کشور سوءتغذیه بوده از این‌رو دارای اهمیت به‌سزایی است به‌طوری‌که سازمان‌های جهانی برای مقابله با این پدیده تدابیری را می‌اندیشند تا بتوانند کودکان را از آثار مخرب و زیان‌بار این پدیده حفظ نمایند.

سال‌هاست که جامعه ایران با سطوح پایینی از هر سه نوع سوءتغذیه کودک مواجه است: کمبود دریافت مواد مغذی، کمبود ریزمغذی‌ها و بیش‌خواری. براساس پیمایش کشوری وضعیت ریزمغذی‌ها در سال ۱۳۹۱، ۱۰ درصد از کودکان دچار کم وزنی هستند، ۱۴ درصد به نسبت قدشان وزن پایینی دارند. (نشانه سوءتغذیه حاد یا کم وزنی) و ۱۳ درصد به نسبت سن‌شان قد کوتاهی دارند. (نشانه سوءتغذیه مزمن یا کوتاهی قد تغذیه‌ای)

علاوه بر این، از هر پنج کودک و نوجوان، یک نفر (۲۰ درصد) مبتلا به کمبود روی، ۲۰ درصد دچار کمبود ویتامین A و ۷۶ درصد از کمبود ویتامین D رنج می‌برند. این پیمایش همچنین نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۱، یک سوم کودکان و نوجوانان در ایران دچار اضافه وزن و چاقی هستند. میزان این سه نوع مختلف سوءتغذیه کودک در برخی گروه‌ها و مکان‌های خاص جمعیتی بیش‌تر است.

یونسف در ایران و هر کشور دیگری، با همکاری دولت و سایر سازمان‌ها برای تحقق اهداف زیر تلاش می‌کند: ارتقاء ظرفیت‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان بهزیستی کشور در تدوین و اجرای یک رویکرد مبتنی بر شواهد در زمینه تغذیه مادر و کودک با هدف ترویج مداخلات تغذیه‌ای اساسی از جمله حمایت از تغذیه با شیر مادر، مکمل‌های غذایی مناسب برای نوزادان بالای شش ماه و مکمل‌های ریزمغذی خوراکی برای زنان و کودکان، و برنامه ملی غنی‌سازی مواد خوراکی برای رفع کمبودهای تغذیه‌ای در ۱۰۰۰ روز اول زندگی.

آماري که سازمان جهانی بهداشت در مورد وضعیت سوءتغذیه کودکان زیر ۵ سال در ایران ارائه داده به سال ۲۰۰۴ بر می‌گردد. به این دلیل ساده که هیچ ارگانی خود را مسئول ثبت، ارائه و انتشار آمار در مورد سوءتغذیه کودکان نمی‌داند. در سایت تعاون کار و رفاه اجتماعی اثری از این آمار نیست. آمار پراکنده استانی را سایت کمیته امداد امام خمینی هرازگاهی منتشر می‌کند. مثلاً احمد لطفی مدیر کمیته امداد استان بوشهر از وجود ۱۷۰۰ کودک زیر ۵ سال مبتلا به سوءتغذیه خبر داده است. در سال ۱۳۹۲ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وجود ۲۰۰ هزار کودک با سوءتغذیه را اعلام کرد که کمیته امداد ۵۰ هزار نفر آن‌ها را زیر پوشش قرار داده است. گاهی تصور مسئولان بر آن است که با انتشار آمار دقیق و به روز شده، وضعیت کشور را بحرانی نشان می‌دهند. در حالیکه برای بهبود وضعیت کودکان که سلامتی‌شان در آینده در خطر است بدون وجود آمار دقیق و به روز شده امکان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در سطح کلان و خرد وجود ندارد.

تنها هرازگاهی مطالعات پراکنده‌ای توسط جوامع دانشگاهی انجام می‌شود. دکتر محمد کاظم عطاری در گفت‌وگو با یورونیوز تاکید می‌کند: «به روشنی در تمامی این مطالعات می‌توان دریافت که در دو دهه اخیر آمار سوءتغذیه در ایران رشد فزاینده‌ای یافته است و به‌ویژه در ده سال گذشته سوءتغذیه کودکان زیر ۶ سال در مناطق شهری از هفت و نیم درصد به حدود ۱۵ درصد رسیده است. این آمار را در مورد مناطق روستایی و محروم می‌توان تا دو برابر تخمین زد.»

معاون وزیر رفاه نیز به کودکان شناسایی شده در مناطق سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، خوزستان و آذربایجان و وضعیت وخیم آنان و نیاز فوری برای خارج کردن از وضعیت بحرانی اشاره دارد.

سوءتغذیه هم می‌تواند هم در لاغری و هم در چاقی کودکان تبلور یابد. متخصصان تغذیه و درمان بر این عقیده‌اند کمبود و یا زیادبود مواد مغذی باعث سوءتغذیه می‌شود.

در حقیقت سوءتغذیه در کودکان عوارض وخیم‌تری ایجاد می‌کند و در بسیاری از موارد بیماری‌های برگشت‌ناپذیری را به‌وجود می‌آورد.

همه کودکان به‌تمام مواد غذایی در هرم تغذیه شامل پروتئین‌ها، قندها، چربی‌ها، سبزیجات، میوه‌ها، حبوبات، تخم مرغ و لبنیات نیاز حیاتی دارند. کودکان به همه این مواد به‌ویژه در سنین زیر ۶ سال احتیاج دارند.

عوارض و کمبود ویتامین B ۱۲ یا آهن می‌تواند به‌صورت اشکال در رشد مغزی و فکری، اختلال در رشد جسمی و کوتاهی قد، اختلالات بینایی، شنوایی، حتی قلبی، کلیوی و ریوی بروز نماید.

یکی از فاکتورهای سوءتغذیه در کودکان زیر ۵ سال، مرگ و میر است. سازمان بهداشت جهانی با این فاکتور، میزان سوءتغذیه در کودکان را در کشورهای مختلف می‌سنجد. سوءتغذیه تنها در مورد کودکان نیست، زنان باردار نیز جزو گروه‌های در معرض خطر محسوب می‌گردند. در مورد زنان باردار در مناطق محروم، این سوءتغذیه به‌حدی است که می‌تواند در تولد کودکان معلول یا انواع بیماری‌های مادرزادی نمود پیدا کند.

سازمان بهداشت جهانی برای فائق آمدن بر موضوع سوءتغذیه، برنامه کوتاه‌مدت و موقتی را برای مناطق محروم تهیه کرده است. این سازمان مخلوط شیر خشک، کره، بادام زمینی و مکمل‌های غذایی را به‌طور موقت در اختیار کودکان مناطق پرخطر برای کودکان قرار داده است.

در برخی از کشورها، دولت برای خانواده‌های کم‌درآمد کوپن غذایی یا استفاده از محل‌هایی که بتوانند مواد غذایی را به قیمت مناسب تهیه کنند، تدارک دیده است. بدون شک در شرایطی که خانواده‌ها قدرت خرید نداشته باشند، دولت موظف است برای بهبود تغذیه کودکان، نوزادان و مادران باردار در پیوند با اقشار آسیب‌پذیر، اقدام کند.

در سال‌های اخیر، کودکان زیادی زیر ۶ سال در ایران دچار سوءتغذیه هستند که استان‌های خوزستان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و همچنین کهگیلویه و بویر احمد جزء استان‌های شناخته شده در این راستا بوده که البته کمترین میزان سوءتغذیه در میان کودکان استان گیلان و بالاترین میزان، از آن؛ سیستان و بلوچستان است.

آثار سوءتغذیه عبارتند از:

*یکی از مهمترین آثار آن می‌توان به مرگ‌ومیر کودکان اشاره کرد که منجر به فوت یک سوم از کودکان زیر ۵ سال خواهد بود.
*از عوارض دیگر می‌توان عدم رشد جسمی و روانی کودک؛ وقفه در سیر تکاملی، پیدایش اختلالات گوارشی و کبدی، کوتاهی قد، فقر آهن و اختلالات بینایی را نام برد.

به گزارش ایرنا، ۸ بهمن ۱۳۹۷، چندی پیش «احمد میدری» معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در نشست ستاد فرهنگی و اجتماعی مدیریت و ساماندهی آسیب‌های استان فارس به وجود ۱۵۰ هزار کودک مبتلا به سوءتغذیه اشاره کرده که دولت موفق شده ۶۰ هزار نفر آنان را تحت پوشش خود قرار دهد.

سبد غذایی کودکان باید روزانه سرشار از مواد مغذی شامل پروتئین‌ها، قندها، چربی‌ها، سبزیجات، میوه‌ها، حبوبات، تخم مرغ و لبنیات باشد و نیروی انسانی سالم به عنوان موتور محرک توسعه با پیروی از عادات غذایی متعادل در سنین زیر ۶ سال و شکل گیری رفتارهای تغذیه سالم برای کشور رقم می‌خورد.

بیش خواری و کم خواری هر دو در الگوی سوء تغذیه کودکان ایرانی به چشم می خورد که هر کدام مخاطرات جدی خود را در سلامت این قشر از جامعه دارد اما آنچه که در سال های اخیر در الگوی سوء تغذیه کودکان برجسته شده چاقی و اضافه وزن است که غفلت از تدبیر به هنگام برای آن نسلی مستعد بیماری را برای کشور رقم می زند.

بر اساس آمارهای منتشره وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ۲۰ درصد کودکان زیر ۲ سال ایرانی چاق هستند و ۳۰ درصد کودکان در پهنه استان ها از اضافه وزن رنج می برند.

همچنین ۲۰ درصد دانش آموزان هفت تا ۱۸ ساله کشور چاقی دور شکمی دارند که این مهم یکی از دلایل اصلی در بروز بیماری های غیرواگیر به ویژه امراض قلبی و عروقی و دیابت در بزرگسالی است.

این در حالی است که آمار اختلالات وزن و کوتاه قدی کودکان ناشی از کم خواری نیز حائز اهمیت است و از سال ها قبل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این راستا مداخلات هدفمندی را پی گرفت.

به گفته کارشناسان بسیاری از آمارهای دستگاه های متولی کشور در زمینه رفتارهای تغذیه ای در سطح کلان به روز رسانی نشده که نقیصه ای جدی است.

سوء تغذیه از کمبود یا زیادی مواد مغذی نشأت بگیرد آسیب زا است و می تواند بستر مخرب و زنجیره ای از معضلات سلامتی را رقم بزند که علاوه بر کاهش کیفیت زیست و عمر مفید فرد، هزینه های سربار در حوزه درمان را سبب شود.

به گفته محققان دانشگاه جان هاپکینز آمریکا: کودکانی که دچار سوء تغذیه در سال های پیش دبستانی هستند در معرض اختلال شنوایی در سنین بالاتر قرار خواهند گرفت و همچنین یافته های محققان کالج کینگ لندن: کودکانی که صبحانه نمی خورند در معرض ابتلا به سوء تغذیه قرار گرفته و احتمالاً به کمبود آهن، کلسیم و ید مبتلا خواهند شد.

عوامل موثر در بروز سوء تغذیه:

* یکی از مهمترین عواملی که رابطه تنگاتنگی با سوء تغذیه دارد؛ فقر است. در نقاطی از ایران از جمله سیستان و بلوچستان سوء تغذیه بر اثر فقر شایع است.

* رژیم غذایی نادرست در دوران بارداری برای زنان.

* بیماری هایی که بر تغذیه و عادات غذایی اثرگذار خواهند بود.

* فرهنگ نادرست تغذیه.

* با توجه به توضیحات فوق هر چند فقر تاثیر به سزایی در این راستا خواهد داشت ولی عدم استفاده صحیح از مواد غذایی در زمان رشد کودک و عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی از علل موثر در سوء تغذیه هستند.

چگونه باید پیش گیری کرد:

* شناسایی و آمار دقیق از سوء تغذیه کودکان در کشور و مسوولیت ثبت این آمار بر ارگان خاص که ماحصل آن مانع از آمار پراکنده می شود و بر طبق همین آمار می توان سیاست گذاری و برنامه ریزی در سطح خرد و کلان را برای ریشه کن کردن این پدیده در نظر گرفت.

* اقدامات پیش گیرانه اگر در هنگام بارداری و در دوران جنینی آغاز شود مسلماً اثربخشی بهتری خواهد داشت از این رو آگاهی مادران از تغذیه تکمیلی در دوران بارداری از اثرات سوء تغذیه کودکان و وزن کم آنان هنگام تولد جلوگیری می کند و برای حفظ سلامت مادر نیز موثر خواهد بود.

* آموزش مداوم مادران بعد از زایمان جهت ارتقای آگاهی آنان در زمینه بهداشت و تغذیه مناسب فرزندان.

* سیاست گذاری و برنامه ریزی ها دولت برای بهبود تغذیه نوزادان و مادران باردار مناطق حاشیه نشین و فقیر.

اساس ریشه کن کردن سوء تغذیه جزو وظایف بی چون و چرای دولت است. چرا که دولت وظیفه دارد به ویژه اقشار آسیب پذیر را در این راستا محافظت کند.

سازمان جهانی بهداشت نیز در جدیدترین گزارش خود شرایط سوء تغذیه در میان کودکان جهان را اسفناک خواند.

بر این اساس، آمارهای جهانی نشان می دهد ۱۴۴ میلیون کودک زیر ۵ سال در جهان از قامت کوتاه و ۴۷ میلیون کودک از اندام نحیف و ضعیف برخوردارند.

سازمان جهانی بهداشت در تعریف خود از سوء تغذیه آورده است: سوء تغذیه به تمامی اشکالی از لاغری، کمبود وزن و قامت کوتاه اطلاق می شود که طی آن فرد به دلیل تغذیه نامناسب نمی تواند مقدار کافی ویتامین، پروتئین، املاح و مواد لازم بدن را جذب کند. آمارهای جهانی نشان می دهد ۴۶۲ میلیون انسان در کره زمین از سوء تغذیه رنج می برند که ۴۷ میلیون تن از آنها کودکان زیر ۵ سال هستند.

زمانی به تاثیرات مخرب سوء تغذیه پی خواهیم برد که بدانیم نزدیک به نیمی (۴۵ درصد) از مرگ و میرهای کودکان زیر ۵ سال مرتبط با سوء تغذیه است. بیشترین میزان این مرگ و میر نیز در کشورهای با درآمد پایین و متوسط روی می دهد. به صورت روزانه ۷ هزار و ۵۰۰ کودک زیر ۵ سال در جهان به دلیل سوء تغذیه جان خود را از دست می دهند. این در حالی است که میلیون ها کودک دیگر به دلیل سوء تغذیه از جنبه جسمی و مغزی دچار آسیب می شوند.

حال به نظر می رسد همزمان با شیوع ویروس کرونا در جهان و نیز احتمال دسترسی سخت تر مردم به مواد غذایی، میزان و سطح سوء تغذیه شاهد رشد چشمگیر باشد.

سازمان بهداشت جهانی از دو معیار برای دسته بندی کودکان زیر ۵ سال که دچار سوء تغذیه در جهان هستند استفاده می کند.

سوء تغذیه مرتبط با گرسنگی

این نوع سوءتغذیه به مواردی اطلاق می‌شود که کودکان به دلیل عدم دسترسی به مواد غذایی دچار گرسنگی هستند. در واقع کودکان در این حالت از وزن کم یا قد کوتاه‌تر از سن یا وزن کمتر از قد رنج می‌برند. این مورد به‌خصوص در کشورهای آفریقایی و برخی کشورهای آسیایی به ویژه هند دیده می‌شود.

به دلیل عدم دسترسی به مواد غذایی رشد کافی این کودکان محقق نمی‌شود و در نتیجه آن‌ها از اندامی نحیف برخوردارند. همچنین به دلیل شرایط جسمانی نامناسب این کودکان مستعد بیماری‌های مختلف هستند و در صورت ابتلا به بیماری نیز نسبت به کودکان دیگر بیش‌تر احتمال دارد که جان خود را از دست بدهند.

با توجه به برنامه‌های نهادهای بین‌المللی مانند سازمان بهداشت جهانی، یونسف و سازمان‌های مردم‌نهاد، گاه مشاهده می‌شود کودکان در آفریقا و یا بخش‌های دیگر جهان میزان کافی مواد غذا دریافت می‌کنند، ولی به دلیل عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم توانایی جذب آن را ندارند. در صورت آلوده بودن آب آشامیدنی، کودکان دچار بیماری‌هایی همچون اسهال می‌شوند که همین امر مانع از جذب مواد غذایی در بدن می‌شود.

بهداشت پایین، نبود امکانات رفاهی و نیز عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم همگی می‌تواند علی‌رغم تغذیه مناسب منجر به سوء تغذیه در افراد شود. هم‌اینک بسیاری از کودکان در هند و کشورهای زیر صحرای آفریقا به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند. همچنین به دلیل استفاده از آب‌های زیرزمینی برای مصارف آشامیدن و عدم رعایت بهداشت، تداخل فاضلاب انسانی باعث آلوده شدن چاه‌های آب و در نتیجه بیماری کودکان و اسهال می‌شود که خود می‌تواند سوء تغذیه را تشدید کند.

سوءتغذیه مرتبط با کمبود املاح و ویتامین‌ها

در این نوع سوءتغذیه کودک از گرسنگی رنج نمی‌برد بلکه غذایی که دریافت می‌کند عاری از موارد لازم ضروری بدن است. سطح مشخصی از املاح، ویتامین‌ها و پروتئین‌ها برای کارکرد مناسب بدن ضروری است و در صورتی که فرد نتواند میزان کافی از این مواد را دریافت کند مستعد بیماری می‌شود.

برخلاف سوءتغذیه ناشی از گرسنگی که در میان مردم کشورهای فقیر مرسوم است، سوءتغذیه ناشی از کمبود مواد ضروری حتی در کشورهای پیشرفته و ثروتمند نیز دیده می‌شود. رژیم‌های غذایی که فاقد تنوع لازم هستند و نیز الگوهای زندگی می‌تواند در این موضوع تاثیر گذار باشند.

در این موارد توصیه می‌شود رژیم‌های سرشار از املاح و مواد معدنی و ویتامین‌ها در برنامه غذایی گنجانده شود. می‌توان در ابعاد بزرگ در جامعه نیز از مولتی ویتامین‌ها به صورت تجویزی بهره برد. کودکان به دلیل آن‌که در سن رشد هستند کمبود این املاح و ویتامین‌ها بیش‌تر می‌تواند روی آن‌ها تاثیرات منفی و مخرب داشته باشد.

صندوق کودکان ملل متحد (یونسف) با ارائه گزارشی راهکارهایی برای مبارزه با سوءتغذیه در کودکان ارائه کرده است. از زمانی که یک مادر باردار می‌شود تا زمانی که یک کودک به ۲ سالگی می‌رسد بهترین زمان برای جلوگیری از سوءتغذیه و تبعات آن است.

یونسف پیشنهاد می‌کند در این مدت باید از شیر دادن طبیعی مادر به نوزاد و نیز ارائه غذاهای غنی از مواد معدنی و ویتامین به نوزاد حمایت شود. این سازمان توانسته است تنها با همین روش از سال ۱۹۹۰ تا به امروز از مرگ ۱۰۰ میلیون کودک جلوگیری کند.

در زمانی که مادر حامله است کمبود مواد غذایی و املاح و ویتامین‌ها می‌تواند پیامدهای سنگینی برای جنین داشته باشد. جنین در این مرحله در رحم مادر نمی‌تواند به رشد کافی برسد و غالباً این نوزادان پس از تولد وزن کمتر از حد معمول دارند. همچنین این نوزادان نسبت به هم نوعان خود که در زمان بارداری از میزان کافی مواد غذایی و مواد ضروری بهره برده‌اند، رشد مغزی کمتری دارند. به همین دلیل اهمیت دارد از همان دوران که زن باردار است با موضوع سوءتغذیه مبارزه شود.

دو سال نخست زندگی یک کودک نیز اهمیت زیادی در رشد فکری و جسمی وی دارد. به همین دلیل سوءتغذیه در این دوران پیامدهای زیادی از جمله ضعف و ناتوانی و عدم رشد کافی کودک در پی خواهد داشت. این دوره آنقدر مهم است و در صورتی که کودک در آینده از سطح مناسبی از تغذیه برخوردار باشد نتواند پیامدهای منفی این دوره را جبران کند. به همین دلیل یونسف تاکید دارد مادر و کودک باید در این دوره یک هزار روزه (از زمان بارداری مادر تا تولد دو سالگی نوزاد) از تغذیه مناسب برخوردار باشد.

شیر مادر یکی از اصلی‌ترین مواردی است که باید در تغذیه این دوره به آن توجه شود، زیرا بدن نوزاد توانایی بالایی برای جذب املاح و ویتامین‌های آن دارد و بسیاری از آنتی بادی‌ها (پادتن‌ها) که کودک در مبارزه با بیماری به آن‌ها احتیاج دارد از شیر مادر به او منتقل می‌شود. کودکانی که از شیر مادر تغذیه می‌کنند به نسبت هم‌نوعان خود از سلامت بالاتر و رشد بهتری برخوردار هستند.

در نهایت باید تاکید داشت کودکان زیر ۵ سال آسیب‌پذیری زیادی نسبت به سوءتغذیه دارند. از همین رو باید با مبارزه با سوءتغذیه، مانع از شیوع گسترده آن شد. جنگ، فقر، خشک‌سالی، تنش‌های ملی - مذهبی و بیماری از جمله عوامل اصلی ایجاد سوءتغذیه در جهان هستند. دسترسی به آب آشامیدنی سالم به‌خصوص در بخش‌های آفریقا و یا جنوب ایران که به‌طور مداوم دچار خشک‌سالی هستند خود عامل دیگری در راه مبارزه با سوءتغذیه است. آموزش عمومی مناسب و آگاهی بخشی جهانی در این امر نقش قابل توجهی ایفا می‌کند.

حکومت اسلامی با چه هدف و انگیزه‌ای در مدارس دخترچه‌ها جشن «تکلیف» برگزار می‌کند؟

آخوندهای حکومت اسلامی راهی مدارس و کلاس‌های دختران ۹ ساله می‌شوند تا با موعظه‌خوانی‌های خود به دخترچه‌ها کوشزد کنند که شما بالغ شده‌اند بنابراین می‌توانید ازدواج کنید و اگر خارج از قوانین دینی عمل کنید حرام است و مجرم محسوب می‌شوید.

جشن تکلیف برای چیست؟
 آخوندها به دختران نه ساله می‌گویند: «بلوغ» یعنی رسیدن به حدی از شرایط جسمی که بتواند تکلیف‌های الهی را انجام دهد. و این نشانه‌هایی دارد، از جمله تمام شدن ۹ سال و وارد شدن به ده سالگی که شرط سنی در دختران است. دختران از نظر سن زودتر از پسران به تکلیف می‌رسند و این نوعی امتیاز برای آنان و نشان آمادگی بیش‌ترشان است.
 «علم» یعنی دانستن احکام خدا. کسی که حکم خدا را نداند، تکلیفی هم ندارد. البته انسان وظیفه دارد که احکام را یاد بگیرد و به بهانه ندانستن، نمی‌تواند از انجام وظایف دینی کوتاهی کند.



آن‌ها تاکید می‌کنند معلومات دینی، به‌طور عمده درباره خدا، پیامبر اسلام، پیامبران، معاد، عدل، امامت، قرآن و وحی است. خداوند، یکتاست. شریک و مثل و مانند ندارد. جسم نیست و به چشم نمی‌آید. همه چیز را می‌داند و هر کاری بخواهد انجام می‌دهد. قدرتش بی‌پایان است. ...
 خداوند، برای شناساندن راه سعادت و رستگاری به انسان‌ها پیامبران را فرستاده است. فرستادن پیامبران را «بعثت» گویند. پیامبران الهی، دستور از خدا می‌گرفتند و دین آسمانی را به مردم می‌رساندند.
 پیامبران را صد و بیست و چهار هزار نفر گفته‌اند که آخرین آن‌ها پیامبر اسلام «محمد» است. عقیده به پیامبران را «نبوت» گویند. ...

آماري از ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در ایران
 نتیجه جشن تکلیف حکومت اسلامی بسیار فاجعه‌بار است.
 ازدواج کودکان یا کودک‌همسری در ایران در سال‌های اخیر روز به افزایش است. فعالان حقوق کودک می‌گویند این پدیده در آینده بر سلامت خانواده‌های ایرانی تاثیر منفی خواهد گذاشت.
 آمار بالای ازدواج کودکانی که پیش از رسیدن به بلوغ فکری و ذهنی ازدواج می‌کنند از گستردگی این پدیده در ایران حکایت دارد. سن ازدواج در ایران بر مبنای «بلوغ جنسی» تعیین شده در حالی که به‌گفته کارشناسان، بلوغ جنسی تنها بخشی از ابعاد بلوغ کامل انسان است. رشد، آگاهی، آموزش و آزادی در انتخاب، اساسی‌ترین و انسانی‌ترین شروط برای تشکیل خانواده است.
 آمارهایی که خبرگزاری ایسنا به نقل از معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری منتشر کرده نشان می‌دهند که در سال ۱۳۹۲ حدود ۴/۵ درصد از ازدواج‌های ثبت‌شده مربوط به دختران زیر ۱۵ سال بوده است. این تعداد در سال ۱۳۹۵ به ۵/۵ درصد رسیده است. ازدواج پسران زیر ۱۵ سال بسیار کمتر از دختران است، اما تعداد آن نیز در حال افزایش است.
 در سال ۱۳۹۳ بالاترین میزان ازدواج کودکان در ایران ثبت شده است. طبق آمار ثبت احوال ایران در این سال بیش از ۴۰ هزار کودک، پیش از پایان دوران کودکی وارد زندگی زناشویی شده‌اند.
 گزارشگر «ایسنا» نوشته است، آمارهای رسمی تنها محدود به ازدواج‌های ثبت شده در دفاتر رسمی است و چه‌بسا این تعداد به‌دلیل عدم ثبت ازدواج کودکان بدون شناسنامه و یا عدم ثبت رسمی و قانونی ازدواج‌های چند همسری بسیار بیش‌تر از آمارهای رسمی است.

ازدواج کودکان زیر ۱۰ سال
 در میان ازدواج‌های در سنین پایین، کودکان زیر ۱۰ سال نیز دیده می‌شوند. این آمارها نشان می‌دهند که در سال ۹۰، ۲۲۰ کودک زیر ۱۰ سال، سال ۹۱، ۱۸۷ کودک، سال ۹۲، ۲۰۱ کودک، سال ۹۳، ۱۷۶ کودک و در سال ۹۴، ۱۷۹ کودک زیر ۱۰ سال تن به ازدواج داده‌اند.

بیشترین ازدواج‌های کودکان در استان خراسان رضوی ثبت شده است. این استان با ثبت ۶۷۵۹ مورد از ازدواج کودکان در رتبه اول قرار دارد. در حالی که به‌منظر می‌رسد به‌دلیل حضور بیش‌تر اتباع کشورهای دیگر در استان‌های شرقی کشور که اوراق شناسایی ندارند، امکان ثبت ازدواج آن‌ها فراهم نباشد و به همین دلیل این آمار می‌تواند بیش از این مقدار باشد. استان آذربایجان شرقی با ۳۳۴۸ مورد، رتبه دوم و استان سیستان و بلوچستان نیز با ثبت ۲۳۵۵ مورد ازدواج کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال، رتبه سوم را به خود اختصاص داده اند. استان خوزستان با ۲۱۵۰ مورد ازدواج ثبت شده کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال، رتبه ۴ کشور را به خود اختصاص داده است، استان تهران نیز با ۱۷۴۲ مورد، در رتبه ۸ این جدول قرار گرفته است. در گزارش خبرگزاری ایسنا روشن نیست که این آمارها مربوط به چه سالی یا چه بازه زمانی است.



ازدواج کودکان، «آزار جنسی» است
فعالین حمایت از حقوق کودکان «کودک‌همسری» را «نوعی کودک‌آزاری با ابعاد آزار جسمی، عاطفی و ذهنی» می‌دانند. آن‌ها تاکید دارند با ادامه یافتن ازدواج کودکان در جامعه، اندک‌اندک تبدیل به یک جامعه نابالغ می‌شویم. جامعه‌ای که رشد کافی نیافته و بلوغ فکری ندارد.
همچنین آسیب‌هایی مثل خشونت، خیانت، طلاق رسمی و عاطفی، همسرکشی، افسردگی و آمار بالای سقط جنین را می‌توان از تبعات ازدواج زودهنگام کودکان در جامعه نابالغ دانست.
قانون صریحی که در قوانین حکومت اسلامی ایران درباره ازدواج کودکان وجود دارد، ماده ۱۰۴۱ است که نکاح دختر را قبل از رسیدن به ۱۳ سال و پسر را قبل از ۱۵ سال، با اذن ولی و با تشخیص دادگاه منوط به رعایت مصلحت کودک، مجاز می‌داند. متأسفانه طبق این ماده حتی می‌توان قبل از این سن نیز در صورت شرایطی، عقد نکاح را منعقد کرد. در حالی که رشد، آگاهی، آموزش و آزادی در انتخاب، اساسی‌ترین و انسانی‌ترین شروط برای تشکیل خانواده است.
اما در قانون برای گرفتن گواهی‌نامه که مسلمانان از تشکیل یک خانواده مسئله کم اهمیت‌تری است، سن قطعی ۱۸ سال تعیین شده است و پایین‌تر از این سن اجازه رانندگی برای افراد صادر نمی‌شود اما برای مسئله مهم ازدواج به راحتی تصمیم گرفته شده است!

کودک‌همسری و سکوت قانون
ازدواج دختران زیر ۱۳ سال در ایران همچنان ممنوعیت قانونی ندارد و لایحه افزایش این سن به ۱۶ سال به بن‌بست خورده است. یک نماینده مجلس می‌گوید ثبت ۴۳ هزار ازدواج زیر ۱۸ سال نشانه افت شاخص‌های انسانی و فقر در آموزش همگانی است.
برای مثال شهریور ۱۳۹۷، تنها یک تصادف باعث شد دختر ۹ ساله افغانی در مشهد، زن مردی ۳۶ ساله نشود. دخترک پدر و مادر نداشت و وصلت به ابتکار اقوام سر گرفته بود. فردی خبر را تلفنی به اطلاع اورژانس اجتماعی رساند. معاون دادستان مشهد ازدواج را به هم زد و دستور تحویل عروس به بهزیستی را داد: «این کودک به‌قدری جثه کوچکی داشت که پایین‌تر از سن‌اش نشان می‌داد و به‌شدت هم از داماد می‌ترسید. با وجود این که برایش عروسی آن چنانی با سیصد چهارصد مهمان گرفته بودند، چیزی از وحشتش کم نشده بود.»
بهمن ۱۳۹۷، دختر ۱۱ ساله ایلامی که به‌خاطر بدهی پدرش به عقد طلبکار ۴۴ ساله در آمده بود، با کمک کنشگران و دادستانی استان به بهزیستی تحویل شد. خواهر ۱۳ ساله او هم با اذن پدر به عقد دایم یکی از اعضای طایفه در آمده بود. سرنویشت دو دختر در دست یک ولی معتاد قرار داشت. کوچک‌ترین فرزند داماد هم دو سال از عروس بزرگ‌تر بود. داماد و پدر دخترک بازداشت شدند.
دوم اردیبهشت ۱۳۹۸، نماینده اردبیل و عضو کمیسیون برنامه و بودجه در نطق میان دستور، ۴۳ هزار ازدواج ثبت شده در سن ۱۰ الی ۱۵ سال را افت شاخص‌های انسانی و نشانه فقر در آموزش همگانی و تنزل در رفاه عمومی خواند. مجد فیضی زنگیر

تاکید کرد که جامعه نسبت به کودک همسری حساس و خواهان پاسخ‌گویی است: «ما نمایندگان علاوه بر پاسداری از حقوق انسانی کودکان، مسئول سنخیت قوانین با روح زمانه نیز هستیم.» این سخنان، تازه‌ترین یادآوری به کمیسیون قضایی مجلس برای تصویب طرح افزایش سن ازدواج است؛ طرحی که زمستان ۹۷ به دلیل «جامع نبودن و کامل نبودن» در کمیسیونی کاملاً مردانه به بن‌بست خورد و معوق ماند. جالب است که سخنگوی این کمیسیون در موجه دانستن ازدواج دختر بچه‌ها به مادر بزرگش استناد کرد که در ۹ سالگی شوهر کرد و مشکلی نداشت.

آمارهای ثبت احوال ایران در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهند که خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، خوزستان، زنجان و خراسان شمالی در صدر استان‌هایی قرار دارند که کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله در آن‌ها ازدواج می‌کنند. میانگین سالانه کودک همسری در خراسان رضوی ۶ هزار مورد، آذربایجان شرقی ۴ هزار مورد و خوزستان ۲ هزار و ۵۰۰ مورد عنوان می‌شود. در سال ۹۶، استان زنجان با بیش از ۳۶ هزار ازدواج زیر ۱۴ سال پیشگام کودک همسری بوده است. در مناطق مرزی مثل سیستان و بلوچستان ازدواج‌های کودکان بسیار رایج است. مدیرکل ثبت احوال خراسان شمالی به تازگی از ازدواج ۱۰۵۴ دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله در این استان در سال گذشته خبر داده است. نماینده اردبیل در هشدار به آمار ۱۷ درصدی ازدواج‌های زیر ۱۸ سال گفته است: «کودکی که اجازه اخذ گواهینامه رانندگی، افتتاح حساب بانکی، معامله و رای دادن ندارد، چگونه اجازه ازدواج می‌یابد؟»



کودک همسری معمولاً نزد گروه‌های ساکن حاشیه شهرهای بزرگ، مرزنشین‌ها و دهک‌های پایین اجتماعی و فقیر به چشم می‌خورد. برخی خانواده‌ها تنها برای پول، کم کردن یک سر عائله و تامین هزینه زندگی، دختران ۹ تا ۱۰ ساله را به ازدواج افرادی با سن بالا در می‌آورند.

فقر پسران باعث می‌شود آن‌ها در سنین بالاتر ازدواج کند اما عمل کرد فقر نزد دختران معکوس است. آن‌ها در سنین پایین اغلب ناخواسته و با اراده والدین به زندگی زناشویی وارد می‌شوند تا هم «یک نانخور کمتر شود» و هم شاید که دختر فرصتی برای ارتقای موقعیت اقتصادی یا اجتماعی بیابد. به این ترتیب و به این سودا، دختران در سنین پایین به عقد مردانی به مراتب بزرگ‌تر از خود در می‌آیند.

به گفته فعالین حمایت از حقوق کودکان، بازماندگی از تحصیل، تهدید سلامت جسمی و جنسی برای دختران، ورود به بازار کار سیاه برای پسران، خطرات زایمان در سن پایین و سقط جنین از پیامدهای ازدواج کودکان هستند. زنانه شدن فقر، گسترش خشونت، تجاوز، طلاق، افسردگی، ترک تحصیل، انزوای اجتماعی و فرار از خانه، پیامدهای مستقیم کودک همسری هستند. جدایی ناگهانی از دنیای معصومانه کودکی، مشکلات زایمان زودهنگام، ناتوانی در اداره زندگی و نگاه‌داری فرزند و پیامدهای روانی و جسمی از آسیب‌های بارز کودک همسری هستند.

معصومه آقاپور علیشایی، نماینده شبستر خرداد ۹۷ گفته بود که ۲۴ هزار بیوه زیر ۱۸ سال در ایران وجود دارند. در گروه سنی زیر ۱۴ سال از بین ۴۰۰۰ ازدواج ۱۰۰۰ مورد طلاق گزارش شده است.

تابستان سال ۹۷ مرکز پژوهش‌های مجلس با استناد به آمارهای ثبت احوال گزارش داد که بیش‌تر دختران نابالغ، به همسری مردانی درآمده‌اند که دست‌کم ۱۰ سال از آن‌ها بزرگ‌تر بوده‌اند. این گزارش اذعان کرده بود که در سال ۱۳۹۵، سه دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله به عقد مردانی ۷۰ ساله درآمده‌اند و ۱۳۸ مورد ازدواج‌ها با فاصله سنی ۲۵ تا ۲۹ سال صورت گرفته است. مرکز پژوهش‌ها این فاصله‌های سنی را غیرطبیعی، و آسیب‌زا توصیف کرده بود.

گزارش یاد شده، طلاق، محرومیت از تحصیل، مرگ و میر ناشی از بارداری، عدم رضایت جنسی، خشونت خانگی، عدم رعایت حقوق کودکی، ناتوانی در امور زندگی، فقدان بلوغ فکری و اجتماعی این گونه ازدواج‌ها از آسیب‌های کودک همسری بر شمرده، اما تصریح کرده است که وضعیت آن‌گونه بحرانی و حاد نیست که نیازی به تغییر کامل احکام شرعی و قانونی وجود داشته باشد.

طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال و پسر قبل از رسیدن به ۱۵ سال به شرط اجازه پدر و رعایت مصلحت و تشخیص داده امکان‌پذیر است. کمیسیون قضایی مجلس با اصلاح قانون فعلی و لایحه‌ای که فراکسیون زنان به مجلس برد، موافقت نکرد.

گزارش دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌داد در فاصله سال‌های ۹۱ تا ۹۵ بین ۴/۹ تا ۵/۶ درصد ازدواج‌های دختران، در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال بوده و کانون این قبیل ازدواج‌ها، مناطق روستایی، عشایری و حاشیه شهرهاست.

گزارش توضیح می‌دهد که ازدواج کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله گرچه در تمام استان‌های ایران دیده می‌شود اما کانون آن در مناطق روستایی، عشایری و حاشیه شهرهاست. در عین حال تاکید شده که نمی‌توان مسئله را به توسعه یافتگی یا محرومیت استان‌ها ربط داد. مثلاً کهگیلویه و بویراحمد و ایلام با وجود محرومیت، رتبه بسیار پایینی در ازدواج دختران نابالغ دارند و رتبه آذربایجان شرقی و خراسان رضوی بالاتر است. پیمایش نتیجه گرفته که نقش عامل فرهنگی در این موضوع بسیار پررنگ است.

خبرگزاری امنیتی «تسنیم» به تاریخ ۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ نوشته بود: همزمان با شیوع ویروس کرونا در کشور، مهدهای کودک نیز همانند سایر مراکز آموزشی تعطیل شده‌اند اما برخی از مهدهای کودک در تماس با خانواده‌ها اعلام کرده‌اند که باید برای ماه‌های اسفند و فروردین که مهد تعطیل بود نیز «شهریه» پرداخت کنند!

مهدهای کودک در این روزها همانند سایر مراکز آموزشی تعطیل شده‌اند و همین مسئله اختلاف‌هایی را بین خانواده‌ها با موسسان مهدهای کودک و مربیان ایجاد کرده است و این فرایند همچنان ادامه دارد؛ طبق آمار بیش از ۱۵ هزار مهد کودک در سطح کشور فعالیت می‌کنند که مجوز آن‌ها از سوی سازمان بهزیستی صادر می‌شود و به‌نظر می‌رسد که در این روزها بازرسان این سازمان باید نظارت بیشتری را بر مهدها داشته باشند چرا که در این بین برخی از موسسان این مراکز با برقراری تماس با خانواده‌ها اقدام به درخواست‌های غیر معقول مالی کرده‌اند!

درخواست پرداخت شهریه برای روزهای که مهدهای کودک تعطیل بوده‌اند از مواردی است که این روزها از سوی برخی از موسسان مهدهای کودک مطرح می‌شود! و بسیاری از آن‌ها با برقراری تماس با والدین از آن‌ها خواسته‌اند تا نسبت به پرداخت شهریه ماه‌های قبل اقدام کنند! موضوعی که به‌نظر می‌رسد باید از سوی سازمان بهزیستی مورد رسیدگی جدی و فوری قرار گیرد.

در همین زمینه، سعید بابایی؛ مدیرکل دفتر امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور در گفت‌وگو با تسنیم با اشاره به شرایط پیش آمده در مهدهای کودک در پی شیوع ویروس کرونا گفت: همزمان با شیوع ویروس در کشور در اسفند ماه گذشته، بخشنامه‌ای با عنوان «شهریه مهدهای کودک در ایام تعطیلی ناشی از بیماری کرونا ویروس» به مدیران بهزیستی سراسر کشور ابلاغ شد.

بابایی توضیح داد: خانواده‌ها هم باید تصمیم خود را به صورت مکتوب به مدیریت مهد کودک اعلام کنند و ملزم به پرداخت شهریه مهدکودک در ماه‌های قبلی هستند؛ اگر در استانی در روزی از ماه اسفند بر اساس اعلام قانونی، مهدهای کودک باز بوده و ارائه خدمت کرده باشند، براساس همین بند دریافت شهریه اسفند ماه پلا مانع است؛ ...»

بابایی خاطرنشان کرد: ۷ هزار مهد در روستاها و ۱۸۰۰ مهد در مناطق آسیب‌خیز حاشیه شهرها با حداقل شهریه‌های ممکن برای عدالت آموزشی در حال فعالیت هستند که متأسفانه آن‌ها نیز در این شرایط وضعیت دشواری دارند؛ هر چند بند فسخ قرارداد یکی از بندهای قرارداد است اما به سبب شرایط دشوار پیش آمده از حوادث غیرمترقبه از والدین درخواست داریم تا برای همکاری و همراهی با مهدهای کودک در این شرایط دشوار به جای فسخ قرارداد، دریافت خدمات از مهد را به ماه‌های بعدی پس از بازگشایی موکول کنند.

در حالی این روزها بسیاری خانواده‌ها برای تامین هزینه‌های زندگی خود با موانع و مشکلاتی روبه‌رو هستند برخی تصمیمات از سوی دستگاه‌ها و سازمان‌ها موجب افزایش بیش‌تر هزینه‌های خانوارها و فشار مضاعف بر آن‌ها می‌شود که از آن جمله می‌توان به اخذ شهریه توسط موسسان مهدهای کودک در شرایط کرونایی از والدین اشاره کرد که این مسئله مشکلات بسیاری را برای والدین ایجاد کرده است...



بدون استثنا در همه مناطق، کودکان خانواده‌های فقیر نسبت به کودکان طبقات مرفه امکان کمتری برای حضور در کودکانستان و مدرسه دارند و این مسئله باعث می‌شود حتی آموزش رایگان بار مالی قابل ملاحظه‌ای بر والدین این کودکان تحمیل کند. مثل هزینه ایاب و ذهاب، هزینه خرید لوازم التحریر و پوشاک، در نتیجه والدین این کودکان باید فداکاری بیش‌تری برای تامین هزینه تحصیل آن‌ها انجام دهند از سوی دیگر توانایی دانش‌آموزان نیز بدون شک تحت‌تاثیر موقعیت اجتماعی اقتصادی خانواده قرار دارد.

در واقع سطح آرزوهای دانش‌آموزان خانواده‌های ثروتمند و مرفه متفاوت از خانواده‌های فقیر و کم درآمد است. از این‌رو مشکل از همین نقطه آغاز می‌شود و این نابرابری‌های طبقاتی و حتی ذهنی کودکان می‌تواند آثار مخربی بر روی روحیه تحصیلی آن‌ها بگذارد.

کودکان و زنان شهروندانی هستند که حقوق آنان در چهارچوب اسناد خاصی تدوین و با پذیرش بسیار مناسبی نیز روبه‌رو شده است. به خصوص از قرن نوزدهم به بعد، عموم کشورها به این نتیجه رسیدند که مسئله حقوق کودکان از اهمیت خاصی برخوردار است و با اذعان به وجود تفاوت در نیازهای بزرگسالان و کودکان، ایجاد قواعد حقوقی مختص این قشر را نیز برای قانون‌گذاری در دستورکار خود قرار دادند. توجه به این حقوق خاص سبب شد که اعلامیه حقوق کودک در سال ۱۹۵۹ به تصویب بسیاری از دولت‌ها برسد. با این حال، به دلیل برخورداری نبودن این سند از ضمانت اجرایی موثر و همچنین برخی ضعف‌های دیگر، کشور لهستان در سال ۱۹۷۸ پیشنهادی را در قالب یک طرح به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تسلیم کرد. با وجود اختلاف نظر و بحث و بررسی بسیار، حدود یک دهه بعد طرح کنوانسیون حقوق کودک با تغییرات و دریافت نظر کارشناسان و سازمان‌های غیردولتی تخصصی در حوزه کودکان، به تصویب کمیته حقوق بشر رسید. با ارائه این طرح به مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق کودک به موجب قطع‌نامه شماره ۴۴/۲۵ در تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب رسید و رفتاررفته کشورهای بسیاری به پذیرش آن سند اقدام کردند به‌نحوی که امروزه کنوانسیون حقوق کودک را می‌توان مقبول‌ترین سند حقوق بشری قلمداد کرد.

پذیرش کنوانسیون حقوق کودک به پاسخ‌گویی دولت پذیرنده در صورت نقض مفاد آن و در برابر دیگر اعضای جامعه بین‌المللی منجر خواهد شد. به همین دلیل، کشورها بعد از پذیرش این سند، به هماهنگ کردن قوانین داخلی خود با آن اقدام می‌کنند تا از هرگونه تعارض و تضاد میان تعهد بین‌المللی آن‌ها و قوانین داخلی پیش‌گیری شود. بنابراین، این مسئله به‌خوبی نشان می‌دهد که کنوانسیون حقوق کودک از نظر برخورداری از ضمانت اجرا با دیگر اسنادی که پیش از آن در مورد حقوق کودک تصویب شده بود تفاوتی اساسی دارد و نقض آن موجب مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض خواهد شد.

در خصوص ماهیت و عناصر تشکیل دهنده این سند، باید بیان کرد که این کنوانسیون دربرگیرنده یک مقدمه و ۵۴ ماده است که بخش ابتدایی و مفصل مواد آن به بیان حقوق کودکان و ذکر تکالیف دولت‌ها در برابر آن حقوق پرداخته است. با این حال، بدیهی است که پیش از هر چیز باید منظور کنوانسیون از کودک را درک کنیم؛ زیرا بدون فهم موضوع این سند، قابلیت اعمال و اجرای آن با ابهامات بسیار جدی روبه‌رو خواهد شد.

بر اساس ماده نخست کنوانسیون حقوق کودک «منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر اینکه به موجب قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.»

در صورتی که برخی کشورهای دیگر با در نظر گرفتن ملاک‌های شرعی، سن کمتری را برای احراز بزرگسالی و بلوغ ملاک عمل قرار داده‌اند. از گروه نخست می‌توان به ایران اشاره کرد.

عملاً می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد که مبحث حقوق کودکان با استقبال بی‌نظیر کشورهای جهان مواجه شده و اراده جمعی آن‌ها در تکریم و شناسایی این حقوق در قالب کنوانسیون حقوق کودک، مجسم شده است.

علاوه بر حق آزادی اندیشه و بیان، در مواد ۱۴ تا ۱۷ کنوانسیون حقوق کودک، می‌توان حقوقی را مشاهده کرد که بخش دیگری از آزادی‌های مدنی کودک را شامل می‌شوند. به‌عنوان نمونه، حق شرکت در اجتماعات و مجامع مسالمت‌آمیز، دخالت نکردن در امور خصوصی کودک، آموزش زبان به زبان مادری کودکان است.

همچنین مواد ۲۴، ۲۶ و ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک نیز به بیان حقوقی برای کودک پرداخته‌اند که مستلزم سلامت و تضمین بهداشت ایشان است.

دولت‌ها به‌موجب این مواد، مکلف اند تا خدمات بهداشتی و پزشکی ضروری را برای کودکان فراهم آورند و خدمات ویژه‌ای را نیز برای کودکانی در نظر بگیرند که والدین شاغل دارند. حق برخورداری از مزایای تامین اجتماعی و بیمه نیز در راستای اجرای هرچه بهتر حق برخورداری از بهداشت، باید از سوی دولت‌ها تضمین شود. همه این موارد باید به‌نحوی صورت پذیرند که در نهایت موجب برخورداری کودک از سطح مناسب زندگی برای رشد جسمی، روحی، ذهنی، اخلاقی و اجتماعی گردند.

در رابطه با حقوق کودک نیز مانند دیگر حقوق بشری، مخاطب تعهدات، دولت‌ها هستند.

همچنین در کنار تمام این حقوق و دیگر حقوقی که در کنوانسیون حقوق کودک برای کودکان شناسایی شده است، در سال ۲۰۰۰، پروتکل اختیاری برای کنوانسیون حقوق کودک تصویب شد که البته کشورهای گوناگونی با امضای آن پروتکل‌ها به آن‌ها اعتبار قانونی بخشیدند؛ نخست، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در جنگ و دیگری، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد تن‌فروشی و پورنوگرافی کودکان بود که هر کدام در تلاش بودند تا جنبه‌های جدید و مهم دیگری از حقوق نادیده گرفته شده کودک را قاعده‌مند و توجه جامعه جهانی را به آن موارد جلب کنند.

در پایان می‌توان اضافه کرد که حکومت اسلامی ایران در ۱۴ مهر سال ۱۳۷۰ کنوانسیون حقوق کودک را امضاء کرد و این سند در سال ۱۳۷۲ نیز به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در نتیجه حکومت اسلامی ایران به یکی از دولت‌های عضو آن سند بدل شد. با این حال، عملاً حکومت اسلامی تاکنون نه تنها اهمیتی به کنوانسیون حقوق کودک نداده، بلکه فراتر از آن، این

حکومت حتی کودکان را نیز اعدام می‌کند. دخترچه‌ها را تشویق به ازدواج می‌کند در این چهل و یک سال به‌طور سیستماتیک مرتکب جنایت علیه بشریت شده است.

بیش از هر چیز می‌توانیم به مسئله ازدواج کودکان و کودک همسری تاکید کنیم که زندگی میلیون‌ها کودک ایرانی را تباہ کرده است. طبق آمارهای منتشرشده حدود ۳۰ درصد از دختران جامعه ما در گروه سنی زیر ۱۸ سال ازدواج می‌کنند. این مسئله برای جامعه ما و هر جامعه دیگری فاجعه‌بار است.

همان‌طور که در بالا اشاره شد افراد زیر ۱۸ سال کودک هستند. طبق اسناد کنوانسیون حقوق کودک که مشتمل بر ۵۴ ماده هست، سن زیر ۱۸ سال، کودک محسوب می‌شود اما در قوانین مذهبی و حکومت اسلامی دخترچه نه ساله بالغ می‌شود و در مقابل دین و قانون مسئولیت دارد.

بنابراین به صراحت می‌توان گفت حکومت اسلامی ایران، حکومتی کودک‌آزار، زن‌آزار، آزادی‌ستیز، عدالت‌ستیز و در یک کلام حکومتی وحشی و جانی و تبه‌کار است که حتی نمی‌توان گفت به دوران قرون وسطا تعلق دارد. حکومتی که رهبرش در قرن بیست و یکم نگران عدم رعایت موازین سفت و سخت اسلامی در کودکانها است نه رفاه و آزادی و سلامتی و شادی کودکان کشور! چنین حکومتی به درد هر چیزی بخورد مسلماً به درد انسان و طبیعت نمی‌خورد. چرا که کلیت این حکومت دشمن دوسویه هم انسان و هم طبیعت است و جز ویرانی و نابودی به مسئله دیگر نمی‌اندیشد.

در حالی که بر اساس قوانین جهان‌شمول حقوق انسان و نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق کودک، تامین خوراک و تغذیه مناسب و مکفی، تحصیل و تعلیم بر اساس معیارهای تدریس جهان‌شمول، فراهم‌شدن زمینه تفریح و بازی و شادی و سفر، پرهیز از خشونت و اذیت و آزار کودکان، احترام به مقام و جایگاه کودک، استراحت کودک، هویت‌بخشی مناسب برای کودک، حفظ هویت انسانی، زبانی و ارزشی کودک، رسیدگی به مشکلات و بیماری‌های کودک، از مهمترین حقوق آنان می‌باشد و دولت موظف است همه این حقوق و مطالبات را نه تنها برای کودکان، بلکه آزادی و برابری و رفاه والدین آنها و همه شهروندان جامعه را تامین کند. اما حکومت اسلامی ایران، نه تنها به این خواسته‌ها و نیازهای مبرم و مسلم جامعه اهمیتی نمی‌دهد، بلکه حتی کودکان را نیز در اعتراضات خیابانی به گلوله می‌بندد و بی‌رحمانه و وحشیانه می‌کشد و در زندان‌ها شکنجه و اعدام می‌کند.

بر این اساس مطلقاً دغدغه کنونی خامنه‌ای رهبر مستبد و خشونت‌طلب و جنگ‌طلب حکومت اسلامی، به هیچ‌وجه دغدغه کودکان و مردم نیست، ایداً دغدغه او کارگران و کودکان آنها نیست که برای گرفتن دستمزد بخور و نمیرشان مجبورند در این دوران سخت و خطرناک کرونایی دست به اعتراض و اعتصاب بزنند و دستگیر و زندانی و شکنجه شوند اما باز هم نتوانند دستمزد خود را دریافت کنند. دغدغه خامنه‌ای و همه سران و مقامات سیاسی و نظامی حکومتش، دغدغه کودکانی نیست که والدین آنها همچون جعفر عظیم‌زاده، نسرين ستوده، نرگس محمدي، نوید(فرشید) افکاری، وحید افکاری سنگری، حبیب افکاری سنگری(سه برادر زندانی)، سهیل عربی، محمد مسعود، اسماعیل عبدی، امیرسالار داوودی، مجید آذربی، جعفر عظیم‌زاده، محسن قنبری و محمد علی مصیب‌زاده و ... در زندان‌ها با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند.

همسر اسماعیل عبدی، معلم زندانی، از ابتلای ۱۲ نفر از زندانیان بند هشت زندان عمومی اوین به کرونا، از جمله محمد داوودی، مجید آذربی، جعفر عظیم‌زاده و اسماعیل عبدی خبر داد.

همسر اسماعیل عبدی، اخیراً به سایت خبری امتداد، گفت: «سه‌شنبه هفته پیش از زندانیان تست مخاطه، آزمایش خون و ریه گرفته شد و نتایج تست کرونای ۱۲ نفر از زندانیان بند هشت زندان عمومی اوین مثبت اعلام شده است.» وی ادامه داد: «همان زمان فقط اعلام شد که ریه محمد داوودی درگیر شده و در خصوص بقیه اظهار نظری نشد. در حال حاضر امیر سالار داوودی، مجید آذربی، جعفر عظیم‌زاده، اسماعیل عبدی از جمله ۱۲ زندانی هستند که امروز از دیگر زندانیان جدا شده و به بیمارستان داخل اوین منتقل شده‌اند.»

هم‌زمان کانون صنفی معلمان ایران(تهران)، با انتشار بیانیهای بر ضرورت محافظت از سلامت معلمان دربند اسماعیل عبدی و محمدحبیبی و دیگر زندانیان تاکید کرد. در این بیانیه آمده است: «در یکی دو ماه اخیر اخبار متعددی از شیوع کرونا در زندان‌های نقاط مختلف کشور و فوت تعدادی از زندانیان منتشر شده است.»

حدود دویست نفر از زندانیان بند زنان در زندان قرچک در نامه‌ای به مدیرکل سازمان زندان‌های تهران، ضمن شرح وضعیت نامناسب این زندان، اعلام کرده‌اند روز شنبه در اعتراض به این وضعیت از گرفتن غذای زندان خودداری می‌کنند.

وبسایت «اطلس زندان‌های ایران» می‌گوید در پی بروز «علائم کرونا» در بین زندانیان بند هشت اوین، دیروز دوشنبه ۲۰ مرداد - ۱۰ اوت، ۲۷ زندانی سیاسی با تحصن در حیاط بند خواستار رسیدگی فوری «به شرایط وخیم پیش‌آمده» در این زندان شدند.

عاطفه رنگریز، فعال حقوق زنان و زندانی زندان قرچک، در نامه‌ای نوشته است: «قرچک نام مستعار جهنم است.»

نهایتاً سران و مقامات حکومت اسلامی و در راس همه خامنه‌ای جنایت‌کار هستند و بی‌گمان دیر و یا زود حکومت‌شان توسط مردم به زیر کشیده خواهد شد و این جانیان در دادگاه‌های مردمی و با برخورداری از همه امکانات دفاع از خود و به‌طور علنی محاکمه خواهند شد.

بی‌تردید جای چنین حکومتی گورستان تاریخ است تا از آسیب‌ها، تخریب‌ها و ویران‌گری‌های بیش‌تر آن جلوگیری کرد. چهارشنبه نوزدهم شهریور ۱۳۹۹ - نهم سپتامبر ۲۰۲۰

* گفت‌وگوی آرش کمانگر از تلویزیون برابری با بهرام رحمانی درباره مخاطرات بازگشایی مدارس در ایران و تاثیر آن بر شیوع وسیع ویروس کرونا و نیز درباره خشم و نگرانی خامنه‌ای از وضعیت کودکانها و اجرای سند ۲۰۲۰ سازمان ملل در زمینه آموزش و پرورش. لینک این گفت‌وگو:

<https://youtu.be/HzkyHSEIVKo>